

## جهان‌نمان

[در شماره گذشته عکس مرحوم محترم خانم اسکندری را درج کردیم. اینک شرح حال آن مرحوم را چنانکه خانم فضیلت پرور و حساس، مستوره خانم افشار با قلم مهیج و حقیقت‌گوی خود نوشته‌اند از جریده ایران اقتباس و درج میکنیم.]

### ضیاع تأسف آور

نقل از جریده ایران منطبعة طهران

آقای مدیر محترم

روز هفتم، مرحوم «محترم خانم» اسکندری در این بابویه دفن و از طرف جمعیت نسوان وطنخواه لازمه تکریم و تجلیل بعمل آمد پس از آئین عزاداری لایحه‌های مخصوصی راجع بخدمات آن مرحومه از طرف خانمهای منورالفکر قرائت شد چون مستوره خانم افشار بجهت کسالت مزاج توانسته بودند حاضر بشوند لایحه جامعی راجع بخدمات آن مرحومه نوشته فرستاده بودند جمعیت نسوان وطنخواه بنام قدر شناسی از مرحومه مزبوره و اطلاع عموم علاقه‌مندان سعادت و ترقی مملکت از حضرت عالی خواهشمند هستند که لایحه خانم مستوره افشار را در جریده فریده ایران مقرر فرمائید درج نمایند.

جمعیت وطنخواه نسوان

\* \*

مرحوم محترم خانم اسکندری بانوی و مؤسس جمعیت نسوان وطنخواه

و رئیس محبوب و محترم آن

البته معلوم است در يك مملکتی که راه همه نوع ترقی و تعالی برای نسوان مسدود است، و نسوان از صحنة معارف مردود

میباشند؛ و از همه گونه حقوق بشری محرومند؛ جرئت ندارند از علوم و فنون و صنایع عصر بیستم استفاده نمایند و حق نداشته باشند اظهار حیات و موجودیت نموده سهم و شریک سعادت و یا فلاکت ملت محبوب و وطن نازنین خود بشوند. احساسات وطن پرستی و ملت پروری که حس طبیعی و فطری انسان است و تمام ملل حیه و فاضله دنیا در سایه همین احساسات مقدسه حیات و حقوق ملت و استقلال مملکت خودشانرا حفظ مینمایند در یک مملکتی که این احساسات مقدسه را بکلی از نسوان سلب و غصب نموده باشند، در یک مملکتی که نسوان مادر محترم ملت و نصف جماعت محسوب نشود و حتی به آن اندازه آزادی نداشته باشند که چند نفر دوز همدیگر جمع شده راجع به تربیه اطفال، خانه داری و حفظ الصحه و سایر مسائل خودشان تعاطی و تبادل افکار نموده کنفرانسهای عام المنفعه بدهند. در یک چنین مملکتی دم از ترقیات نسوان زدن و زن را دارای حقوق بشری دانسته اظهار نمودن خیلی و خیم و خطرناک است.

پوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در یک چنین محیط تاریک، محترم خانم اسکندری مثل یک ستاره سعادت با کمال جسارت و شجاعت مدنی از آفاق مظلم و مایوس عالم نسوان ایران طلوع نمود. عشق شدیدی که به ترقیات نسوان داشت در راه نیل مرام و مقاصد عالیّه خود همه قسم خطرهای وخیمه متصوره را زیر پا گذارده و آماده همه نوع فداکاری گردید و در ۱۰ برج دلو سنه ۱۳۰۱ در مدرسه ۳۵ دولتی که مدیر آن مدرسه بود جمعی از خانمهای منور الفکر را برای امتحان شاگردان مدرسه دعوت نمود پس از امتحانات اطفال خود داری تموده نطق پرهیجانی راجع به ترقیات و

اختراعات محیر العقول اروپا ایراد و بیان نموده و با چشمهای گریان ترقیات نسوان ملل فاضله و حیه دنیا را با نسوان ایران مقایسه کرده و از بی حسی و عدم معارف نسوان خطرناکیکه برای آتیه ملت و مملکت ملحوظ بود شرح داده و خوانین محترمه را برای ترویج معارف و تشویق به پوشیدن پارچه‌های وطنی ترغیب کردند. البته آن سرشکهای پاك صیمی، هیجانان و احساسات وطن پرستانه در قلوب خانمهای منور الفکر کاملاً مؤثر واقع شد و دست اتفاق و اتحاد به محترم خانم اسکندری داده و عهد و پیمان نمودند که برای پیشرفت مقاصد مقدسه ایشان از هیچگونه فداکاری خود داری نه نمایند و جمعیت نسوان وطنخواه را تشکیل دادند. پس از تشکیل جمعیت محترم خانم اسکندری با نهایت ذوق در هر جلسه مشغول تبلیغات به ترویج معارف بودند. و تمام زحمات جمعیت را بدون اینکه ذره اظهار خستگی نمایند متحمل میشدند. محترم خانم ذکی با فطانت متفکر و جاذب القلوب بود. با نزاکت رفتار و صحبت‌های مجلوب کاملاً اعضای محترم جمعیت را فریفته و مفتون خود کرده بود. آن مرحومه در راه پیشرفت مقاصد عالیّه خود از طرف مخالفین اکثر اوقات دوچار اتهام و توهین میشد حتی بعضاً بچه‌های کوچی را تحریک مینمودند که در موقع گذر و مرور آن خانم محترم خاک بر او میریختند و سنک بایشان می انداختند فقط ایشان تمام این توهینات را با صبر و تبسمهای مشفقانه و ملایمانه استقبال کرده سکوت مینمودند تمام اعضای جمعیت انتظار داشتند و امیدوار بودند که از وجود نازنین آن مرحوم جامعه نسوان استفاده‌های شایانی نمایند چه فایده که اجل بان وجود نازنین امان نداد که نمره محصول افکار پسندیده و مقاصد عالیّه خودش را اقطاف نماید و ذوق از نتیجه افعال و

اعمال انسانیت پرستانه و نوع پروری خود بردارد در ۲۳ ذیحجه ۱۳۴۲ بدرود زندگانی را گفته جهان فانی را وداع نمود.

ای چرخ فلک خرابی از کینه تو است

بیدادگری سرشت دیرینه تو است

ای خاک اگر سینه تو بشکافند

بس گوهر قیمتی که در سینه تو است

محترم خانم اسکندری افول نمود فقط انش کانون مقاصد مقدسه آن مرحوم ناکام هیچوقت افول نخواهد کرد. محترم خانم اسکندری رفت ولی دوستان و هم فکر و رفقای صمیمی خودشان را مستغرق اندوه و پر از سرشک تحسر نمود. محترم خانم رفت فقط محبت و احتراماتیکه هم مسلکان و رفقای صدیق آن مرحوم در قابوب خودشان نسبت بایشان داشتند تا زنده هستند باقی خواهد ماند تخمهای مقدسی که محترم خانم برای ترقی نسوان پاشیده جمعیت نسوان وطنخواه برای اقتطاف ثمره آن سعی و کوشش کامل بعمل خواهند آورد

زنده جاوید ماند هر که نکو نام زیست

کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

بجهت کسالت مزاجیکه چند روز است دارم مقتدر نشدم که امروز در سر مقبره آن دوست عزیزم حاضر شده و باتفاق رفقای محبوب و محترم خودم مشغول سوگواری باشم با چشمهای گریان صمیمی ترین سلامهای خود را به روح پاک آن مرحوم فرستاده و از دور با تمام احساسات احترامکارانه و با کمال صمیمیت به سوگواری آن دوست محبوب و محترم خودم شرکت مینمایم.

طهران — مستوره افشار